

بررسی تطبیقی حقوق زن از منظر قرآن و عهدین

قمر هنری^۱، زهرا رضایی آهوانویی^۲

چکیده

مسئله حقوق زن از ضروری‌ترین مسائلی است که همواره با زندگی زنان همراه بوده و قسمت عمده‌ای از حیات انسانی آنان را تشکیل می‌دهد. باتوجه به اینکه زن رکن اساسی خانواده و اجتماع است بدون شک حقوق فراوان فردی، اجتماعی و خانوادگی دارد که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. با مشاهده تغییر و تحولات گسترده‌ای که در مورد حقوق زن امروزه در جهان و در کشورها مطرح است، شایسته است نظر قرآن درباره زنان با تمام جوانبش بررسی شود. همچنین به علت اهمیت و جایگاهی که کتاب مقدس در هدایت جوامع و پیروان یهودیت و مسیحیت دارد، دیدگاه عهدین هم در این زمینه بررسی می‌شود. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و توجه به آیات کتاب مقدس و قرآن کریم به تبیین حقوق اجتماعی زنان مثل عفاف و پاکدامنی، معاشرت، حق کار و اشتغال، حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی پرداخته و جایگاه اجتماعی زنان هم در این عرصه مشخص شده است. آیات قرآن کریم و کتاب مقدس در این باب در کنار هم چیده شد. با اندک مقایسه و تحلیل این نکته روشن شد که ادیان الهی همگی به دنبال یک هدف بودند و آن هم فلاح و رستگاری ابناء بشر است. هیچ کدام از ادیان گذشته جامعیت دین اسلام و قرآن را نداشته‌اند. قرآن این کتاب آسمانی بیشترین اهتمام را نسبت به احیاء و ترقی شخصیت انسانی و حقوق زن داشته و تعالی انسان را هدف خود قرار داده است.

واژگان کلیدی: قرآن، عهدین، حقوق، حقوق اجتماعی، حقوق اجتماعی زنان.

۱. دانش آموخته کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه

المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرّس گروه علمی- تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

خالق نظام هستی با تدبیر حکیمانه خویش موجودات را با انواع حقوق خلق کرد. بعضی از این حقوق فطری و طبیعی هستند مثل حق حیات، حق تنفس و.... بعضی دیگر جنبه وضعی و قراردادی دارند که گاهی واضع حقوق شارع و خداوند حکیم است و با انزال کتب و ارسال رسل و... بشر را با حقوق خود و دیگران و حتی حقوق حیوانات و گیاهان آشنا می‌کند و گاهی واضع حقوق غیر شارع است که در این صورت ممکن است واضعین حقوق منابع خویش را در وضع قانون و حقوق، مستقیم یا غیر مستقیم از شارع گرفته باشند. عقول و آرای بشری و سرانجام جبر حاکم بر زندگی اجتماعی باعث وضع قانون و تعیین حقوق می‌شود. امروزه یکی از مسائل مهم و مورد توجه تمام جوامع مسئله حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض براساس جنسیت است. این احساس به‌ویژه در بین بسیاری از زنان وجود دارد که در طول تاریخ به قشر زنان که بخش مهمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، ستم شده، حقوق و شأن انسانی آنها رعایت نشده و براساس عادات، قوانین و مقررات در مورد آنها تبعیض ناروا اعمال شده است. در قرون اخیر در جوامع بین‌المللی تلاش‌های زیادی برای آموزش و تثبیت فرهنگ تساوی حقوق بین زن و مرد و رفع نگرش تبعیض‌آمیز در عادات، رسوم، قوانین و مقررات انجام شده است. در صورتی که قرآن ۱۴۰۰ سال پیش تساوی حقوق زن و مرد را مطرح کرد و با دستورات آسمانی خود به زن شخصیتی دوباره بخشید. ضرورت دارد که با تبیین رویکرد قرآن به هویت انسانی و حقوق زن، تعالیم آن براساس اصیل‌ترین متن دینی، قرآن و برخی روایات با تعالیمی که در کتاب مقدس به صراحت بیان شده است، مقایسه شود و با مقایسه دیدگاه‌های آنها به مشترکات و تمایزاتشان دست یافته و از این طریق میزان احترام و اهتمام آنها نسبت به زن آشکار شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. عهدین در لغت و اصطلاح

عهد به معنای وفا، شناختن امری، حفظ کردن، ادوار تاریخ، طبیعی، پیمان و... آمده است. (بندریگی، ۱۳۹۰، ص ۶۳۸) عهد قدیم تنها بخشی است که یهودیان به آن معتقد هستند و قسمت اعظم کتاب مقدس را دربرمی‌گیرد. عهد قدیم (عتیق)، نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید به کتاب یهودیان دادند. عهد قدیم به زبان عبری و اندکی از آن به زبان کلدانی نوشته شده است (توفیقی، ۱۳۸۱، ص ۸۳). یهودیان کتاب خود را به ۳ بخش تقسیم کرده‌اند: تورات؛ انبیاء و مکتوبات. تورات، پنج کتاب حضرت موسی علیه السلام است. انبیاء کتاب‌های انبیای پیشین مانند یوشع و داران و همچنین انبیای متأخر یعنی، اشعیا، ارمیا و... و دوازده کتاب انبیای کوچک را دربرمی‌گیرد (میشل، ۱۳۸۷، ص ۳۱).

عهد جدید مشتمل بر کتاب‌هایی است که تنها مسیحیان آنها را قبول دارند. یهودیان هیچ یک از آنها را در بین کتاب‌های مقدس خود نمی‌پذیرند. مسیحیان در مورد کتاب‌های رسمی عهد عتیق اختلاف دارند. در مورد کتاب‌های عهد جدید اتفاق نظر پیدا کرده و عهد جدید واحدی را پذیرفته‌اند. همه کتاب‌های عهد جدید به زبان یونانی نگاشته شده است. (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، میشل: ۶۲) بخش دوم کتاب مقدس که منبع اصلی اعتقادات مسیحیان است که عهد جدید نامیده می‌شود. مجموع کتاب‌های عهد جدید ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می‌شوند: اناجیل، اعمال رسولان، رسالات، مکاشفه (نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

۲-۲. حقوق در لغت و اصطلاح

حق واژه‌ای عربی است که معادل آن در زبان فارسی، هستی پایدار است؛ یعنی هر چیزی که از ثبات و پایداری بهره‌مند باشد حق است. به همین دلیل قرآن پروردگار را حق می‌نامند: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ؛ این از آن روست که خداوند حق است و

آنچه جز او را می‌خوانند، باطل است» (حج: ۹۲). در جای دیگر هم از خداوند با همین تعبیر یاد شده است؛ یعنی خدا موجودی ثابت که هیچ زوالی در حریم او راه ندارد و هرچه که به او نسبت دارد، حق است، همانند جهان آفرینش، پیامبران و احکام؛ زیرا همگی سهمی از ثبات و پایداری دارند (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۷۶). برخی از اهل لغت، ریشه حقوق را حق به معنای خانه‌های عنکبوتی یا حق‌ها، سزاها و پاداش‌ها می‌دانند و یا ریشه آن را حقوق به معنای حفره یا خندق می‌گیرند (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۹۹۵۹). حقوق در اصطلاح عبارت است از: مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای جهان و انسان برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌گردد تا سعادت جامعه را تأمین کند (جوادی آملی، ۱۳۷۰، ص ۷۵).

۲-۳. حقوق اجتماعی

آن دسته از حقوقی که در رابطه با تعاملات و ارتباطات اجتماعی قرار داده شده را حقوق اجتماعی می‌گویند. قرآن همان‌گونه که در سایر امور برای زن شخصیت و ارزش حقوقی قائل است در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز برای زن شخصیت حقوقی قائل است. زنان می‌توانند در تمام صحنه‌های سیاسی و اجتماعی همچون مردان حضور پیدا کنند. در امور سیاسی جامعه هم حق انتخاب کردن دارند و هم در صورت واجد شرایط بودن حق انتخاب شدن، زنان همچون مردان می‌توانند به کسب و کار و خدمات اجتماعی بپردازند البته در سایه رعایت عفاف و پاکدامنی که قرآن مکرر به آن اشاره کرده است.

از آنجاکه حضور زنان در اجتماع ضرورتی است انکارناپذیر و از طرفی زن، این موجود ظریف هستی برای اینکه بتواند با اطمینان خاطر و به دور از هرگونه خطرات در اجتماعات حضور پیدا کند، لازم است که تدابیری اخذ شود که تضمین‌کننده سلامت خود و جامعه او باشد. تمام شرایع برای این حضور حقوق و قوانینی را وضع کرده‌اند. زنان در سایه این دستورات و عمل به آن می‌توانند در اجتماع حضور پیدا کنند و از حقوق طبیعی خویش بهره‌مند شوند. از جمله حقوق اجتماعی زن می‌توان به مسئله کار و اشتغال او، حضور در عرصه‌های سیاسی و تعیین سرنوشت و... اشاره کرد که تمام این امور باید در سایه عفاف و پاکدامنی صورت پذیرد.

۳. زن و عفاف در جامعه

عفت به معنای مناعت و حالاتی نفسانی که انسان را از غلبه شهوت باز می‌دارد و قدرت خویشستن‌داری و خودنگهداری را در او به وجود می‌آورد. عفاف، آموزه ضروری زندگی و مصونیت‌بخش فرد و جامعه از آسیب‌های مادی و صدمات روحی است. عفت و پاکدامنی یکی از مسائلی است که در تحکیم روابط خانوادگی و استحکام پیوند زناشویی نقش بسزایی دارد. به عبارت دیگر، رعایت عفاف از جانب زن و مرد علاوه بر اینکه پیوند آن دو را مستحکم می‌کند و سعادت خانواده را به دنبال دارد از موجبات بقا و دوام و جامعه انسانی است. از این رو، رعایت اصل عفت و پاکدامنی اهمیت بسیار دارد. در ادیان آسمانی به حیا و عفاف توجه خاصی شده است. رعایت حیا و عفاف میان زن و مرد به تناسب آفرینش هر یک متفاوت است، ولی بدون استثنا تمام ادیان و مکاتب فکری آن را توصیه کرده‌اند. پلیدی دامن و شهوت‌رانی را پیغمبران و متفکران جهان گناهی عظیم شمرده و گفته‌اند: «نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود» (حکمت، ۱۳۸۱، ص ۳۳۷).

۳-۱. زن و عفاف در عهد قدیم

یکی از مسائلی که در عهد قدیم اهمیت زیادی داشته رعایت عفاف و پاکدامنی زنان است. به طوری که در موارد متعددی به این اصل مهم پرداخته و احکام مربوط به آن را بیان کرده‌اند: «زن عقیقه ملتزم به خانه، مورد مدح قرار گرفته. زن نیکوسیرت عزت را نگه می‌دارد چنان که زورآوران دولت را محافظت می‌کنند» (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، امثال: ۱۱) در اهمیت این مسئله در عهد قدیم همین بس که دو فرمان از ده فرمان به این امر اختصاص یافته است. در فرمان هفتم، زنا که از موارد منافی عفت است، نهی می‌شود؛ زیرا در شش روز، خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آن است، بساخت و در روز هفتم آرام فرمود. از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده آن را تقدیس کرد: «پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو را در زمینی که بیهوه خدایت به تو می‌بخشد دراز شود، قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، بر همسایه

خود شهادت دروغ مده، به خانه همسایه خود طمع مورز» (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، خروج: ۲). آیات فوق در سفر تثنیه باب ۵ آیات ۲۱-۱۰ تکرار شده است. این تکرار دلالت بر اهمیت مطلب دارد که تأکید شده است. بنابراین، باتوجه به آیات عهد عتیق می‌توان این نکته را تصریح کرد که عفت و پاکدامنی و پوشش در آن عصر هم وجود داشته و زنان ملزم به رعایت آن بودند.

۳-۲. زن و عفاف در عهد جدید

با نگاهی گذرا بر کتب عهد جدید می‌توان دریافت که عفت و پاکدامنی در این عصر اهمیت ویژه‌ای داشته است. در نامه‌های حواریون در موارد متعدد زن و مرد به رعایت عفاف و مسائل مربوط به آن در زندگی زناشویی فراخوانده شده‌اند که ازجمله آنها می‌توان به نامه‌های پولس حواری اشاره کرد. او در برخی از نامه‌هایش می‌نویسد: «و همچنین زنان خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز نه به زلف‌ها و طلا و مروارید گران بها بلکه چنین زنانی را شاید که دعوی دینداری می‌کنند به اعمال صالحه» (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، اول تیموتائوس: ۹). گروهی از مفسرین کتاب مقدس می‌گویند: «عهد جدید رعایت عفاف و حجاب را به وجدان همه واگذار می‌کند و این پرسش را مطرح می‌کند که در دل خود انصاف دهید آیا این شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند. آیا خود طبیعت شما را نمی‌آموزد که اگر مرد موی دراز دارد او را عار باشد» (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، اول قرنتیان: ۱۳). این آیه نشانه حیا و عفت است که امری درونی و فطری بشر به حساب می‌آید. تفسیر تطبیقی عهد جدید این سخن پولس رسول را دال بر وجوب عفت و پوشش دانسته و مؤمنان را به رعایت آن فراخوانده است (پولس الفغانی، بی‌تا، ص ۵۸۹).

۳-۳. زن و عفاف در قرآن

دستور به عفاف و پاکدامنی، ضرورتی اجتماعی برای حفظ و پاکی جامعه و نیز مهمترین راهکار برای حفظ عفت، کرامت و شخصیت انسانی زنان در عرصه‌های گوناگون است. برای همین، خداوند از زنان خواسته بدن خود را بپوشاند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار

نکنند و درصدد تحریک و جلب توجه مردان نباشند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛ ای پیامبر ﷺ به زنان مؤمن بگو چشم از نامحرم فروببندند، پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست» (نور: ۳۱). این آیه از زنان خواسته عفاف و پاکدامنی پیشه کنند و راه آن را به ایشان نمایانده است. از آنان خواسته آرایش و زیور خود را جز برای همسر، محارم و برخی دیگر که دیدن زیباییهای زن برای آنها جذابیتی ندارد، آشکار نسازند. در پایان همین آیه، قدری مسئله پوشیده نگه داشتن زیباییها و زیورآلات را توسعه داده است و خواسته زنان کاری نکنند که توجه مردان را به خود جلب کنند و به یک مورد از این رفتارها، کوبیدن پاها بر زمین تا زینتی که پیدا نیست آشکار شود، اشاره می‌کند.

قرآن کریم در آیاتی دیگر عفاف و پاکدامنی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و حیای دختران شعیب را به زیباترین بیان ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛ یکی از آن دو (دختران شعیب) به سراغ او آمد درحالی که با شرم گام برمی‌داشت گفت: در حقیقت پدرم تو را فرامی‌خواند تا پاداش آب‌دادن (گوسفندان ما را به تو بپردازد)» (قصص: ۲۵). خداوند برای نشان دادن عظمت حالت دختران شعیب، واژه استحیا را به صورت نکره آورده است تا عفت و نجابت را با راه رفتن نشان دهد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۶). از مجموع آیات مشخص می‌شود که خداوند تعالی برای ایجاد محیط سالم برای زندگی و برقراری عفاف و پاکدامنی، زنان را از تبرج یعنی، حضور با اتکا به جنسیت زنانه در مجامع عمومی ممنوع کرده است؛ یعنی زنان باید با اتکا به وجوه مشترک انسانی با مردان در جامعه حضور پیدا کنند و جامعه محل ابراز زنانگی و مردانگی نباشد. زن و مرد در جامعه انسان هستند و هر کدام برای خانه خود مرد یا زن است.

۴. تطبیق و بررسی

مسئله پوشش یکی از ضروری‌ترین برنامه‌ها در عرصه زندگی زنان است؛ زیرا این پوشش علاوه بر اینکه نشانه‌ای از حیا و نجابت عمومی اوست تأکیدی مجرد بر هویت اسلامی وی و پایبندی به اصول اخلاقی است. رعایت عفت و پاکدامنی حفظ و بقای جامعه را به دنبال دارد. بدین سبب تمام ادیان الهی با تأکیدات فراوان این مسئله را مطرح کردند. عهدین در آیات خود مکرر بر این مسئله تأکید کردند و زینت حقیقی زن را حیا و پرهیز از خودنمایی معرفی می‌کند و عرضه زیبایی‌ها و خودآرایی‌ها و خودنمایی‌ها را از مظاهر جهالت و نادانی شمرده؛ زیرا زنی که در حصار تن مانده و به ماورای آن دست نیافته در جهل مرکب به سر می‌برد و نه خود را شناخته و نه دین خود را، کرامت و شخصیت والایی که خداوند به او عطا فرموده به ثمن ناچیز فروخته است. با این نادانی موجب بروز ظهور جهالت‌های مختلف در اجتماع می‌شود. قرآن کریم از آنجاکه تکمیل‌کننده شرایع قبلی است این دستورات را به صورت جامع و دقیق‌تری بیان فرموده تاجایی که سوره‌ای از سور قرآنی (نور) را به این امر مهم اختصاص داده است. تشریع حجاب و پوشش در قرآن نه تنها محدودیتی برای زن و آزادی‌های اجتماعی او به بار نمی‌آورد بلکه به دلیل فعال کردن زنان به شکلی صحیح و بدون مفسده انجام پذیرفته است تا زن در مقام یک انسان، توان به کارگیری تمام توانایی‌ها و استعدادهای خود را از جهات اسلامی و انسانی داشته باشد و مانند انسانی آزاد، فعال و مؤثر در اجتماع به نقش‌آفرینی پرداخته و جسم زنانه او ملاک حضور او در جامعه نباشد. بنابراین، عفاف و حجاب زنان از آنجاکه سلامتی فرد و جامعه را به دنبال دارد، ضرورتی است انکارناپذیر. تمام ادیان الهی به این امر مهم توجه تام و کامل داشتند. قرآن کریم با تأکیدات فراوان خود اهتمام تام به این مسئله ورزیده است و با نزول حجاب (نور) حجت را بر زنان تمام کرده است.

۵. معاشرت زنان در جامعه

خالق هستی، زن را جزو حقیقی و عضو کامل جامعه انسانیت قرار داد و از اسارت بیرون آورد و آزادی اراده و عمل به وی بخشید. او آزاد است هر کار مشروع و زندگی معروفی را برای خود

انتخاب کند و عمل وی احترام اجتماعی داشته و با ارزش باشد. سؤالی که اذهان را به خود مشغول می‌دارد، این است که زن برای انجام فعالیت‌های اجتماعی چگونه در جامعه حضور پیدا کند. آیا آن مقدار آزادی که مردان برای حضور در جامعه دارند برای زنان هم به همین شکل و میزان است. یا نه تقییداتی را این حضور به دنبال دارد. جوابی که می‌توان به سؤالات موجود داد حاکی از این است که این حضور بی‌قید و شرط نیست. برای حفظ و سلامت فردی زن و جامعه، زنان باید تابع برخی قوانینی شوند که هم امنیت خودشان و هم جامعه را تضمین کند. ادیان الهی به طور مشترک همگی بیان‌کننده قوانینی هستند که هر فرد را برای حضور در اجتماع ملزم به رعایت آن می‌کنند تا در معاشرت و تعاملاتشان با نامحرم دچار خطا و گناه نشوند.

۵-۱. معاشرت زنان در عهد قدیم

آیات عهد قدیم با صراحت مطالبی را در مورد آداب حضور زن در مقابل نامحرم بیان می‌نماید که حاکی از اهمیت ویژه این مسئله است. در سفر پیدایش در مورد با پوشش کامل در مقابل نامحرم چنین آمده است: «و رفقه چشمان خود را بلند کرده، اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد؛ زیرا که از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت: آقای من است، پس برقع خود را گرفته خود را پوشانید» (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، پیدایش: ۶۴). برقع یعنی، روبند، پوششی از که زنان مصریه آن را برای حفظ صورت خود استعمال می‌نمودند چنان‌که لین نیز می‌گوید: «و دور نیست همان روبندی باشد که فعلاً در شرق معمول است» (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۳۳). عهد عتیق هرگونه خودنمایی را منع کرده، حتی اگر در پوشش باشد، چون یکی از جلوه‌های خودنمایی و در معرض دید بیگانگان قرارگرفتن، پوشیدن لباس غیر متعارف و یا پوشیدن لباس جنس مخالف است که کتاب مقدس به دلیل رعایت حجاب و موازین حیا از آن منع کرده است.

۵-۲. معاشرت زنان در عهد جدید

۵-۲-۱. پرهیز از هرگونه آرایش ظاهری و پوشش مناسب داشتن

در نامه پولس به تیموتائوس آمده است: «و همچنین زنان خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها». (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، اول تیموتائوس: ۲)

۵-۲-۲. سکوت زنان در کلیسا و پرهیز از اظهار نظر کردن

پولس در این زمینه می‌نویسد: «و زنان شما در کلیساها خاموش باشند؛ زیرا ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن چنان‌که تورات می‌گوید: «اگر می‌خواهند، چیزی بیاموزند در خانه از شوهران بی‌رسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است» (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، اول قرنتیان: ۳۶). باتوجه به آیه مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که عهد جدید علاوه بر اینکه زنان را موظف به رعایت پوشش در برابر نامحرم و در هنگام عبادت نمود، زنان باید در کلیسا از اظهار نظر و گفت‌وگو با مردان نیز اجتناب ورزند. در سایه انجام این آداب و دستورات می‌توانند معاشرت با نامحرم داشته باشند.

۵-۳. معاشرت زنان در قرآن

حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی ضرورتی است انکارناپذیر. قرآن کریم در سایه آیات نورانی خود محدوده این حضور را برای زنان ترسیم کرده تا در تعاملاتشان با نامحرم دچار خطا و اشتباه نشوند. اهمیت این مسئله تاحدی است که فقط اشاره به کلیات نشده بلکه شارع مقدس به شکلی صریح با ارائه الگویی مناسب به جزئیات آن پرداخته و احکام دقیقی برای حفظ سلامت جامعه در زمینه روابط زن و مرد تشریح کرده و آنان را ملزم به رعایت آن کرده است.

۵-۳-۱. کنترل نگاه

قرآن در سوره نور باصراحت تمام این مسئله را تصریح می‌کند و خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ ای پیامبر به زنان مؤمن بگو

چشمان خود را از نامحرمان فرو بندند». (نور: ۳۱) در مورد غصن بصر به معنای کاهش دادن نگاه است، خیره نشدن و تماشا نکردن و به اصطلاح، نظر استقلالی نکردن. معنی آیه این است: «به زنان مؤمن بگو به مردان خیره نشوند و چشم چرانی نکنند» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸).

۵-۳-۲. رعایت پوشش مناسب در برابر نامحرم

نکته بسیار دقیق دیگر که در آیه ۳۱ سوره نور نهفته و زنان ملزم به رعایت آن هستند بحث پوشش مناسب در برابر نامحرمان است که باز هم این آیه و آیات دیگر به طور صریح به آن اشاره کرده‌اند. خداوند می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ او روسری‌های خود را بر گلو و سینه بپیچاند». در ادامه در سوره احزاب هم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو روسری‌ها و مقنعه‌های خود را به خود بپیچانند این طور به عقیفه بودن و شریف بودن، بهتر شناخت می‌شوند تا کسی متعرض ایشان نشود و ایشان را آزار ندهد و خداوند آمرزنده و مهربان است» (احزاب: ۵۹).

با اندک بررسی در آیات کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) می‌توان این نکته را متذکر شد که عهدین، حضور زنان در مقابل نامحرم و بیگانگان را مقید به برخی آداب و دستوراتی کرده است که زنان مکلف به انجام آن هستند و حق سرپیچی از این قوانین را ندارند. به عبارت دیگر در تمام ادیان ابراهیمی، عفت و پاکدامنی اهمیت ویژه‌ای دارد و برای سعادت همگان و استحکام جامعه، همه افراد در تعاملات و معاشرتشان ملزم به رعایت آداب دینی خود هستند. در قرآن کریم این مسئله اهمیت ویژه و خاصی دارد و خداوند در قرآن ذیل آیات نورانی به زنان مؤمن و صالح دستور می‌دهد که شما همچون مردان حق حضور در اجتماع را دارید و می‌توانید هم‌پای مردان فعالیت‌های اجتماعی داشته باشید؛ چگونگی این حضور در آیات قرآن به طور مکرر تصریح شده و زنان مسلمان ملزم به رعایت این دستورات در معاشرت و

تعاملاتشان با نامحرم هستند. بنابراین، با اندک بررسی در کتاب مقدس و قرآن کریم این نتیجه مشخص می‌شود که یکی از دغدغه‌های ادیان الهی، حیا و پاکدامنی زنان و چگونگی برخورد او با نامحرمان بوده است. بدین‌سان برای او قوانین و آدابی وضع کردند تا در تعاملاتش با بیگانگان دچار خطا و اشتباه نشود. قرآن کریم هم در این امر مهم به یاری زنان شتافت و با آیات گوهربارش جزئیات این مسئله را روشن کرد تا زنان بتوانند در امنیت کامل در اجتماع حضور پیدا کنند.

۶. زن و اشتغال در جامعه

اشتغال و حضور اجتماعی زن و تعامل و ارتباط با افراد مختلف در محیط کار و کسب تجربه، بینش وی را بالا برده و موجب برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اداره بهتر امور در خانواده، می‌شود. این در رشد بینش اجتماعی همه اعضای خانواده مؤثر بوده و درک آنان از تحلیل منطقی امور گوناگون را تعمیق می‌بخشد.

۶-۱. اشتغال زن در عهد قدیم

با کمی جست‌وجو و بررسی در تاریخ گذشته این نکته مشخص می‌شود که زنان در هر عصری هم پای مردان به فعالیت‌های اقتصادی پرداخته و در عایدات و درآمد خانه سهم بزرگی داشتند. عهد عتیق فعالیت اقتصادی و کار زن را در بیرون از خانه و در محیط اجتماع جایز دانسته است و در وصف زن ایده‌آل و خانه‌دار آورده است: «زن صالح را کیست که پیدا تواند کرد. قیمت او از لعل‌ها گران‌تر است، دل شوهرش بر او اعتماد دارد و محتاج منفعت نخواهد بود. برایش تمام روزهای عمر خود، خوبی خواهد کرد و نه بدی. پشم و کتان را می‌جوید و با دست‌های خود با رغبت کار می‌کند. او مثل کشتی‌های تجار است که خوراک خود را از دور می‌آورد. وقتی که هنوز شب است برمی‌خیزد و به اهل خانه‌اش خوراک و به کنیزانش حصه ایشان را می‌دهد». مفسرین کتاب مقدس در تفسیر این آیات آورده‌اند: «ثمره آیه این است که خداوند زنان را در حالت انحطاط قرار نداده و همچنین ایشان را از عبودیت صرف و گوشه

گرفتن خارج نموده و به سوی شرکت در امور جامعه و خدمت‌رسانی به هم‌نوع و خدمت به دین خدا آورده است. چه بسیار زنانی بودند که با اموال خود دین خدا را یاری نمودند و همین باعث شد نفس آنان از ارواح شریر و خبیث پاک باشد و این خداوند است که به اموال زنان برکت داده و آنان را در حد مریم بالا آورده است» (مکدوند، ۱۹۹۸، ۲۹۸/۱).

۶-۲. اشتغال زن در عهد جدید

از آنجا که در عهد جدید به صراحت حق مالکیتی برای زنان ثابت نشد آیات موجود در این زمینه به طور ضمنی مالکیت اقتصادی زنان را تأیید می‌کند. در مورد کار زنان در جامعه هم آیه‌ای که تصریح‌کننده این مطلب باشد به چشم نمی‌خورد. در انجیل لوقا آمده: «و بعد از آن واقع شد که او در هر شهری و دهی گشته، موعظه می‌نمود و به ملکوت خدا بشارت می‌داد و آن دوازده با وی می‌بودند و زنان چند که از ارواح پلید و مرض‌ها شفا یافته بودند؛ یعنی مریم معروف به مجدلیه که از او هفت دیو بیرون رفته بودند و یونا زوجه خوزا، ناظر هیرودیس و سوسن و بسیاری از زنان دیگر که از اموال خود او را خدمت می‌کردند» (لوقا: ۱/۳). قسمت آخر آیه مذکور اشاره به این مطلب دارد که زنان از اموال خود به حضرت عیسی علیه السلام خدمت می‌کردند و به نوعی بیانگر حق مالکیت برای زنان آن عهد است. اینکه زنان این اموال را چگونه و از چه طریقی به دست آوردند، اشاره نشده است. آیا این زنان اشتغال به کارهایی خارج از منزل داشته‌اند که برای آنها منفعت و درآمدی به دنبال داشته باشد یا نه این اموال می‌تواند هبه و هدیه باشد در هر صورت این مطلب تصریح نشده است.

۶-۳. اشتغال زن در قرآن

قرآن کریم در عصری که زن در برخی ملل، حق مالکیت بر اموال و استقلال اقتصادی نداشت در ادامه احیای شخصیت زن و دفاع از مقام او و با صراحت، حق مالکیت و استقلال اقتصادی آنان را اعلام کرده و فرموده: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛

برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید. مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آروند، دارند و زنان نیز نصیبی دارند و از فضل خدا طلب کنید، خداوند به هر چیز داناست». (نساء: ۳۲) از آنجاکه اسلام به کار و شغل اهمیت زیادی می‌دهد در قرآن مجید آیات بسیاری در این مورد بر پیامبر نازل شده. شغل نه تنها وسیله‌ای برای تأمین معاش و گذران زندگی دنیوی بلکه دارای نقش و تأثیر به سزای تربیتی است و موجب اعتماد به نفس و پدید آمدن حس بی‌نیازی از دیگران و استقلال شخصیت فردی می‌شود. از نظر قرآن، شغل مفید و شایسته (علم صالح) فقط در عبادات و اعمال مربوط به آخرت نیست، بلکه هر کاری که برای فرد و خانواده مفید و در راستای منفعت عمومی باشد مورد تأیید بوده است و اجر و پاداش الهی را به دنبال دارد.

با بررسی در آیات عهد قدیم می‌توان این نکته را متذکر شد که در این عهد مخالفتی نسبت به کار و اشتغال زنان وجود نداشت و باتوجه به مقتضیات آن عصر، زنان می‌توانستند علاوه بر کارهای درون منزل مثل همسررداری، فرزندداری و... به کارهای دیگر مثل کشاورزی و دامداری و... بپردازند. نکته قابل توجه در آیات کتاب مقدس عهد عتیق در وصف زنان صالحه این مسئله را متذکر شده‌اند، پس نتیجه این می‌شود که کارهایی غیر از وظایف اصلی زنان مورد تأیید بوده است. در عهد جدید هم نمی‌توان با صراحت گفت که زنان حق اشتغال و فعالیت‌های غیر از خانه‌داری را نداشتند اگرچه در آیات کتاب مقدس بخش عهد جدید به آن اشاره نشده است. در پاره‌ای از مسائل عهد جدید از سنت عهد قدیم پیروی می‌کرد چه بسا در این مسائل هم تابع عهد قدیم بودند و مثل آنها عمل می‌کردند. باتوجه به همه احتمالات، وجود چنین مطلبی در این عهد روشن نیست و دلیلی هم بر انکار این مطلب وجود ندارد.

قرآن کریم در سایه آیات نورانیش، استقلال اقتصادی زن و مالکیت وی را محترم شمرده، علاوه بر اینکه با گذاشتن مسئولیت اداره زندگی و وجوب نفقه بر دوش مردان به زنان این امکان را داده که ثروت خویش را ذخیره و برای آینده خود پس انداز کنند و از طرفی، اجازه کار به زنان عطا کرده است. قرآن صدور این مجوز را با شرایط و ضوابطی همراه کرده است که می‌توان

به مسئله عفاف و پاکدامنی و اذن همسر و وقار در گفتار و کردار اشاره کرد که در سایه رعایت تمام شرایط می‌تواند در جامعه حضور پیدا کند و به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بپردازد.

۸. زنان در عرصه سیاست

ارج‌گذاری بی‌مانند شریعت‌های الهی به مقام زن باعث حضور جدی آنها در اکثر صحنه‌های اجتماعی شده است. خداوند در سخن گفتن از مسئولیت‌های اجتماعی و فردی هم با مردان سخن می‌گوید و هم با زنان و حتی گاهی روی سخن با زنان، قبل از مردان است.

۸-۱. زن در عرصه سیاست در عهد قدیم

عهد عتیق زن را جنس دوم و طفیلی مرد معرفی می‌کند و نگرشش به مسائل اجتماعی و سیاسی زنان صریح و شفاف نیست. آنچه از بعضی آیات عهد عتیقی به دست می‌آید بیان‌گر این مطلب که زن فقط برای اداره محیط خانه، آن هم زیردست مرد مناسب است. توانایی اداره کشور و شرکت در برنامه‌های سیاسی و اجتماعی را ندارد. در کتاب اشعیا نبی آمده است: «و، ای قوم من، کودکان بر ایشان ظلم می‌کنند و زنان بر ایشان حکمرانی می‌نمایند. ای قوم من، راهنمایان شما گمراه‌کننده‌گانند و طریق راه‌های شما را خراب می‌کنند» (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، اشعیا: ۱۲). آیه مذکور از کتاب مقدس نتیجه و حاصل پیروی از زن و رهبر شدن در جامعه را گمراهی ملت و جامعه دانسته است که صریح‌تر از این نمی‌توان سخنی در ناتوانی زنان در اداره امور سیاسی بیان کرد.

۸-۲. زن در عرصه سیاست در عهد جدید

عهد جدید به حضور زنان در منزل و شوهرداری و فرزندپروری اهمیت بیشتری می‌دهد و از آنها می‌خواهد که وقت خود را صرف عبادت و راز و نیاز با خدا کنند تا اینکه در اجتماع و عرصه‌های سیاسی حاضر شوند. بنابراین، در صحنه سیاست فقط می‌خواهند که زنان مطیع حکومت‌ها باشند. هر شخصی مطیع قدرت‌های برتر شود؛ زیرا که قدرتی جز قدرت از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است. حتی هر که با قدرت مقاومت کند

مقاومت با ترتیب خدا کرده باشد و هر که مقاومت کند حکم بر خود آورد. (کتاب مقدس، ۱۳۸۳، رومیان: ۳) مصادیق دیگری که تثبیت‌کننده حضور سیاسی زنان در این عهد باشد وجود ندارد. و هر جا از زنان در امور اجتماعی سخنی به میان آمده بیشتر جنبه‌های تبلیغی و تبشیری مدنظر بوده است. بنابراین، با وجود این ادله ناقص نمی‌توان مدعی حضور زنان در عرصه سیاست در این عهد بود.

۸-۳. زن در عرصه سیاست از نگاه قرآن

از دیدگاه قرآن، مشارکت سیاسی نه تنها حق افراد جامعه بلکه یک تکلیف الهی است که زنان همچون مردان مکلف به ادای این تکلیف هستند. امروزه کسی نمی‌توند نقش کاربردی زنان را در امور اجتماعی و سیاسی جامعه را انکار کند؛ زیرا زنان نیمی از پیکره اجتماع را تشکیل داده و نقش او را در رشد و تعالی انسان و جامعه انسانی مهم تلقی کرده است. یکی از ملاک‌های مشارکت سیاسی فرد در جامعه، حق تعیین سرنوشت یا به عبارت دیگر، دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه است. بنابراین، شرکت در انتخابات به عنوان یکی از انواع و شیوه‌های مشارکت سیاسی بر تمام افراد جامعه، اعم از زن و مرد واجب است. (ندری ابیانه و حسینی الهاشمی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱) نگاهی دقیق و موشکافانه به تاریخ گذشته نشان می‌دهد که رأی امروز در حقیقت، شکل پیشرفته بیعت روزگاران قدیم است. در قدیم بیعت می‌کردند و امروز رأی می‌دهند (مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳).

خداوند در سوره ممتحنه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاشْتَعِفْنَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند در حالی که با تو بیعت کنند که هیچ چیز را شریک خدا قرار ندهند، دست به دزدی نزنند، زنا نکنند، فرزندان‌شان را نکشند و هیچ تهمت‌ی را نیاورند که آن را بین دست‌هایشان و پاهایشان برافته‌اند و در هیچ (دستور) پسندیده‌ای نافرمانی تو را نکنند، پس با آنان بیعت و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است»

(ممتحنه: ۱۲). بنابراین، آیات قرآنی و روایات تاریخی حاکی از این مطلب هستند که شریعت مقدس اسلام به زنان مجوز حضور در عرصه‌های سیاسی را داده است و آنان می‌توانند در سایه رعایت شئون اسلامی به فعالیت‌های سیاسی پرداخته و با تدبیر درست خویش در جهت صلاح جامعه و نظام قدم بردارند.

زنان باتوجه به اینکه نیمی از اجتماع بشری را تشکیل می‌دهند، همواره ایفاگر نقش‌های مهم و برجسته‌ای در اجتماعات بشری بودند و هستند. یکی از عرصه‌هایی که می‌توان در آن در مورد حضور اجتماعی زنان بحث و بررسی کرد عرصه سیاست است. حال سؤالی پیش می‌آید که آیا همه ادیان و مکاتب به این حضور سیاسی پاسخ مثبت می‌دهند، یا نه. با اندک بررسی در کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید می‌توان این نکته را متذکر شد که حضور زنان در عرصه سیاست در این عصر خیلی صریح و روشن نیست. اگرچه وجود بعضی از مصداق‌های گویا می‌تواند مهر تأییدی بر این مطلب باشد؛ بعضی از آیات کتاب مقدس خلاف آن مصادیق هستند بدین تربیت اثبات این مسئله پیچیده می‌شود و در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند. قرآن کریم با آیات صریح و خطاب‌های عام خویش: «یا ایها الذین آمنوا»، «یا ایها الناس» مهر تأیید بر حضور زنان در عرصه سیاست زد و مشارکت سیاسی را برای زنان همچون مردان واجب نمود و در این میدان زن همانند مرد، تکلیف دارد. عبادت خدای متعال برپاداشتن دین، ادای فرایض دینی، دوری از محرّمات و منکرات مشارکت سیاسی نیز بر او همچون مردان واجب است. ناگفته نماند قرآن کریم با ارائه نمونه‌ای شایسته از زنی زمامدار و با به تصویر کشیدن استعدادهای بی‌منتهای زن، رشد همه‌جانبه او را در عرصه سیاست‌گذاری به نمایش می‌گذارد تا الگویی مناسب برای زنان قرار گیرد. بنابراین، در این باب بین کتاب مقدس و قرآن وجه تشابهی وجود ندارد. باوجود بعضی از مصادیق در کتاب مقدس و تعارضاتی که بین آنهاست نمی‌توان به نتیجه دقیقی دست یافت. در جامعیت قرآن همین بس که بر این مطلب مهر تأیید می‌زند و از زنان می‌خواهد که هم پای مردان با رعایت عفاف و

پاکدامنی در عرصه‌های سیاسی جامعه حضور پیدا کنند و در سرنوشت سیاسی خود نقش ایفا کنند.

۹. نتیجه‌گیری

خالق هستی با تدبیر حکیمانه خویش انواع موجودات را خلق کرد و از میان آنها انسان را برگزید تا با رستن از زنجیر محسوسات و تعلق‌های جهان مادی و با راه یافتن به حریم قدس و ملکوت مسیر تکامل را طی کرده و به مقام خلیفه الهی و لقاء الهی برسد. تمام احکام حقوقی مربوط به زن که در نوشتار حاضر بررسی شد در مورد این حقیقت است که زن رکن اساسی خانواده و مایه قوام و دوام آن و عامل تربیت ابناء بشر است و تمام احکام و قوانینی که در قرآن و شریعت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام مطرح شده است در مقام تأمین این هدف بزرگ آفرینش است که ابناء بشر در زندگی خود در مسیر تکامل انسانی قرار گیرند به نحوی که در هنگام چشیدن ساغر مرگ به بارگاه قدس الهی راه یابند.

در مقایسه قرآن با کتاب مقدس این نکته حائز اهمیت است که قرآن کریم، کتابی جامع و کامل است که بیشترین اهتمام را نسبت به احیاء و ترقی شخصیت انسانی و حقوقی زن داشته و تعالی انسان را هدف خود قرار داده است. کتاب مقدس نه تنها جامعیت قرآن کریم را نداشت بلکه همان مقدار تعالیمش دستخوش تحریف سودجویان و عنادپیشه‌گان دین در شریعت قرار گرفت و نتوانسته جواب‌گوی پیروان خویش باشد و آنان را از دریای ظلمت و تاریکی برهاند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور.
- ۱. بندریگی، محمد (۱۳۹۰). فرهنگ عربی به فارسی. تهران: انتشارات اسلامی.
- ۲. پولس الفغانی، الخوری (بی‌تا). التفسیر التطبیقی للمهد جدید. مصر: شرکه ماستر میدیا.
- ۳. توفیقی، حسین (۱۳۸۱). آشنایی با ادیان بزرگ. تهران: انتشارات سمت.
- ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). زن در آئینه جلال و جمال. قم: نشر اسراء.

۵. حکمت، علی اصغر (۱۳۸۱). تاریخ ادیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. دایره المعارف کتاب مقدس (۱۳۸۱). مترجم: علیایی، آیس، و محمدی، بهرام. تهران: انتشارات سرخدار.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: نشر دانشگاه تهران.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۳۱). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: الامیره.
۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۹). المیزان. مترجم: همدانی، سید محمدباقر. قم: انتشارات اسلامی.
۱۰. کتاب مقدس (۱۳۸۳). مترجم: فاضل خان همدانی، گلن، ویلیام، و مرتن، هنری. بی جا: انتشارات اساطیر.
۱۱. مرکز جهانی علوم اسلامی (۱۳۸۲). شخصیت و حقوق زن در اسلام. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. تهران: انتشارات صدرا.
۱۳. مکدونلد، ولیم (۱۹۹۸). تفسیر الکتاب المقدس للمؤمن. بیروت: الطبعه الأولى.
۱۴. میشل، توماس (۱۳۸۷). کلام مسیحی. مترجم: توفیقی، حسین. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۵. ندری ایبانه، فرشته، و حسینی الهاشمی، عزیزه (۱۳۸۴). بانوان شیعه. تفکر شیعی و مشارکت زنان در انتخابات ایران. شماره ۶، دوره ۳.
۱۶. نعمتی پیرعلی، دل آرا (۱۳۸۹). شخصیت زن در قرآن و کتاب مقدس. قم: مجنون.
۱۷. هاکس، جمیز (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس. مترجم: مستر هاکس. تهران: اساطیر.